

علیه السلام

عبدالله بن الحسن

به خداوند سوگند از عموم جدا نمی شوم. نامردی با شمشیر به سوی

۵

امام حسین (ع) آمد. آن نوجوان به او گفت: وای بر تو ای فرزند زن ناپاک، آیامی خواهی

عموم را بکشی. دشمن شمشیری بر او وارد کرد و نوجوان به دست جلوی آن را گرفت. دستش بریده و به

پوست آویزان گشت؛ ناگهان صدازد ای عمو! به **فریادم** برس. حمله بن کاهل تیری به گلویش زد که

لهوف، ص ۱۲۰

گلویش را شکافت در حالی که در دامن حسین علیه السلام بود.